

اسراف و تبذیر، پیامدها، پیش‌گیری و درمان آن (از منظر آیات و روایات)

□ محمد امین صابری *

چکیده

دین مبین اسلام برای همه زوایای زندگی انسان برنامه دارد، تعادل و میانه‌روی در مصرف را برای همه سفارش می‌کند و از سوی دیگر، اسراف و تبذیر و زیاده‌روی و ضایع نمودن نعمت‌های الهی را حرام و ممنوع اعلام کرده است. بنابر این، آن گونه که در آیات و روایات مطرح شده. اسراف و تبذیر به معنای تجاوز از حد اعتدال و میانه‌روی است. ولی کاربرد اسراف تنها در جنبه مالی نیست، بر خلاف تبذیر که فقط جنبه مالی دارد که انسان اموال و دارائی‌های خودش را به صورت غیر منطقی و فساد مصرف کند.

اسراف و تبذیر به ادله اربعه حرام است اما باید توجه داشت که اسراف و تبذیر نسبت به افراد و اشخاص و موقعیت اجتماعی آنها فرق دارد؛ زیرا ممکن است صرف هزینه‌ای برای یک شخص اسراف شمرده شود ولی برای شخص دیگر اسراف نباشد. اسراف و تبذیر اقسامی دارد که: اسراف در اموال و غیر اموال را شامل می‌شود.

اسراف و تبذیر پیامدها و عواقب درناکی را در جامعه دارد که مهم‌ترین عوامل آن عبارت است از: عامل خانواده، عامل مدرسه و مکتب، عامل محیط و جامعه، عامل اقتصاد و امور مالی، ضعف ایمان، جهل و بی‌خبری، فساد اخلاقی، خودنمایی و...

اسراف و تبذیر آثاری فردی و اجتماعی و اخروی زیانباری در جامعه دارد که از جمله آنها این عوامل را می‌توان نام برد: کم‌برکتی، زوال نعمت، افلاس و ورشکستگی در مال، فقر و تنگدستی،

*. دانش آموخته سطح چهار حوزه و دکتری تخصصی فرق تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب.

طغیان گری، خشم الهی، خواری در قیامت، کیفر اخروی و... از جمله مهم ترین مطالبی که در این تحقیق به آن اشاره شده، روش پیش گیری و درمان است که به مهم ترین آنها اشاره شده است از جمله: روش های شناختی، روش های رفتاری، روش های عاطفی. آثار درمان اسراف و تبذیر هم عبارتند از: تقویت جنبه مالی، افزایش برکت، کمک به نیازمندان، پیش گیری از جرم و جنایت، مبارزه با استعمارگران و...
واژگان کلیدی: اسراف، تبذیر، اقتصاد، پیامدها، پیش گیری و درمان.

مقدمه

امروزه مساله اسراف و تبذیر به یک مشکل جهانی مبدل شده است و مثل یک بیماری واگیر و خطرناک دامن تمام جوامع بشری را در بر گرفته و و سبب نابرابری ها، خسارت های زیاد و انحرافات گوناگون در جنبه های زندگی مردم به ویژه در حوزه های عمومی و خصوصی شده است. این در حالی است که در مکتب انسان ساز اسلام، اسراف و تبذیر جایگاهی نداشته و مصارف بیش از حد، امری مذموم و ناپسند و ناروا به شمار می آید.

از آن جایی که دین مبین اسلام دین اعتدال و میانه روی و دوری از افراط و تفریط است، قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع) همیشه به استفاده درست از نعمت های خداوند و اعتدال در آن تاکید کرده است.

بنابر این، مبارزه با این بیماری واگیر در سطح جامعه اسلامی که نیاز به آرامش و امنیت اقتصادی دارد، امیری بسیار جدی، لازم و ضروری است.

از آن جا که قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (ع) که گره گشای بسیاری از مسائل است، ما در این نوشتار بر آنیم از دیدگاه قرآن و روایات، بعد از تعریف واژگان اسراف و تبذیر و تفاوت این دو، ضمن ریشه یابی عوامل و پیامدهای اسراف، راه های پیش گیری و درمان آن را بیان کنیم.

تعریف اسراف

الف) اسراف در لغت

واژه «اسراف» در لغت به معانی «گراف کاری کردن، در گذشتن از حد میانه، تلف کردن مال، و لخرچی کردن و تبذیر» (محمد معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۲۶۶). آمده است. راغب در مفردات

می‌گوید: «السرف، تجاوز الحد فی کل فعل یفعله الانسان و ان کان ذلک فی الانفاق اشهر.» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۴۰۷، ماده سرف.) «سرف به معنای تجاوز کردن از حد در هر کاری است که از انسان سر بزند. گر چه استعمال آن در موارد زیاده‌روی در انفاق مال بیشتر است.» و گاهی به خروج از اعتدال در مقدار خرج مال و زمانی هم به چگونگی بذل مال و مورد آن اطلاق می‌شود.

کلمه اسراف برخلاف تبذیر، تنها کاربرد آن منحصر به امور مالی نیست. بلکه این واژه قبل از آن که نشانه جرمی در امور اقتصادی باشد، بیان‌گر وضعیت نامناسب و غیر معقول اخلاقی و فرهنگی شخص و یا جامعه مسرف است و آن حالت تجاوزگری و بی‌اعتنایی به قوانین و حدود شناخته شده شرعی و انسانی است.

ب) اسراف در اصطلاح

واژه اسراف در قرآن کریم و روایات و ادعیه ماثوره در مورد تجاوز از مرز شرع و خصلت‌های انسانی و گام نهادن در وادی گناه و معصیت بسیار است.

«وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.» (آل عمران/ ۱۴۷).

«و سخن آنان جز این نبود که گفتند: پروردگارا، گناهان ما و زیاده‌روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گام‌های ما را استوار دار و ما را برگروه کافران یاری بده.»

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.» (زمر/ ۵۳).

«بگو: ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت ، خدا همه گناهان را می‌آمرزد ، که او خود آمرزنده مهربان است.»

تعریف تبذیر

الف) تبذیر در لغت

تبذیر در لغت به معنای «پراکندن و پریشان ساختن» (فرهنگ معین، ص ۱۰۲۱) است. راغب می‌گوید: «التبذیر، التفریق و اصله القاء البذر و طرحه فاستعیر لكل مضيع لماله.» (مفردات الفاظ قرآن، ص ۱۱۳، واژه بذر.) «تبذیر به معنای پراکنده کردن و اصل آن پاشیدن بذر است و برای هر کسی

که مالش را ضایع کند به کار می‌رود.»

طبرسی (ره) در مجمع‌البیان در تعریف تبذیر می‌گوید: «تبذیر، پراکندن مال از روی اسراف است و ریشه آن پاشیدن بذر است، با این فرق که تبذیر پراکندن همراه با فاسد و ضایع کردن است، ولی اگر به گونه اصلاح باشد - هر چند زیاد هم باشد - تبذیر نیست.» (امین‌الدین طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۱۰).

ب) تبذیر در اصطلاح

تبذیر در اصطلاح قرآن بر خلاف اسراف تنها واژه‌ای اقتصادی است و در غیر آن کاربردی ندارد و در قرآن کریم فقط در دو آیه متوالی از آن نام برده شده است:

۱. «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا.» (اسراء/۲۶).

«و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن.»

۲. «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا.» (اسراء/۲۷).

«چرا که اسرافکاران برادران شیطان‌نهادند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.»

فرق اسراف و تبذیر

بین واژه «اسراف» به معنای اقتصادی آن با واژه «تبذیر» فرق چندانی وجود ندارد. در بعضی از موارد این دو کلمه در کنار هم و در یک معنی به کار رفته، به عنوان مترادف معنوی تأکید کنار هم قرار گرفته‌اند، چنان که حضرت امیر (ع) آن دو را در کنار هم بیان فرموده‌اند: «ان اعطاء المال فی غیر حقه تبذیر و اسراف.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶). اما در برخی منابع بین دو واژه فرق‌هایی قایل شده‌اند که به نمونه‌ای اشاره می‌شود.

۱- تبذیر پراکندن کردن مال است به وسیله اسراف و اگر مال را در راه صحیح پراکنده کنند، تبذیر گفته نمی‌شود. (مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن).

۲- تبذیر مخصوص مواردی است که انسان اموال خود را به صورت غیر منطقی و فساد، مصرف می‌کند. به تعبیر دیگر: تبذیر آن است که مال در غیر موردش مصرف شود هر چند کم باشد و اگر در موردش صرف شود، تبذیر نیست. هر چند زیاد باشد. (ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۸۶).

واژه تبذیر، ضایع کردن مال است و زیاده‌روی در انفاقات شخصی و امور خیر را شامل نمی‌شود، در حالی که اسراف فراگیرتر از آن بوده و در برگیرنده همه موارد، از به هدر دادن و زیاده‌روی در مصارف

شخصی و خانوادگی و انفاق‌های مستحبی می‌باشد. به عبارت دیگر هر تبذیری اسراف است، ولی هر اسراف‌ی تبذیر نیست. چنان‌که از امام صادق (ع) رسیده که حضرتش فرمودند: «ان التبذیر من الاسراف.» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۰۱، حدیث ۱۴). «همانا تبذیر از اسراف است.»

حد اسراف و تبذیر

از بیانات پیشوایان دین استفاده می‌شود که برای اسراف و تبذیر حدود و ملاک‌هایی بیان شده که اگر مصرف از آن حدود فراتر رود، جزء مقوله اسراف و تبذیر بوده، فعل آن حرام خواهد بود.

۱- مصرف در راه حرام

کارهای حرام و انجام معاصی، شکستن و از بین بردن حدود الهی است و ارتکاب آنها اگر بدون صرف مال باشد، اسراف به معنای گناه و تجاوز از دستورهای دینی خواهد بود و در صورتی که همراه با مخارج مالی باشد، گذشته از معصیت، خرج مال در راه آن به عنوان اسراف اقتصادی و گناه دیگری محسوب می‌شود. امام صادق (ع) فرمودند: «من انفق شيئاً في غير طاعة الله فهو مبذر و من انفق في سبيل الخير فهو مقتصد.» (محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۸، حدیث ۵۳). «آن کس که در راه غیر طاعت خدا، مالی را انفاق کند، مبذراست و آن که در راه خیر انفاق نماید، مقتصد و میانه‌رو است.»

۲- مصرف نا معقول

عقل سلیم اسراف و زیاده‌روی را مذنوم می‌داند، به عبارتی: عقل بر زشتی ریخت و پاش حکم می‌کند مانند انفاق به کسی که استحقاق آن را ندارد و نیز اتلاف و نابود کردن ثروت، انرژی، وقت و... که همه ناشی از عدم برنامه‌ریزی صحیح و عدم تفکر و تعقل است.

طبرسی (ره) نقل می‌کند که «مر رسول الله بسعد و هو يتوضا فقال: ما هذا السرف يا سعد؟! قال: او في الوضوء سرف؟ قال: نعم و ان كنت على نهر جار.» (امین‌الدین طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۲، ص ۳۷۰).

«پیامبر اکرم از راهی عبور می‌کردند. یکی از یارانش به نام سعد مشغول وضو گرفتن بود و آب زیادی ریخت. پیامبر فرمودند: چرا اسراف می‌کنی ای سعد؟ عرض کرد: آیا در آب وضو نیز اسراف است؟

حضرت فرمودند: آری هر چند در کنار نهر جاری باشی.»

ادله حرمت اسراف و تبذیر

برای به دست آوردن حکم هر موضوعی چهار منبع وجود دارد. قرآن، سنت معصومین (قول، فعل، تقریر)، اجماع فقهاء و حکم عقل. و اسراف به ادله اربعه حرام است.

اسراف و قرآن

با عنایت به ظهور نهی در حرمت، در قرآن کریم واژه اسراف با مشتقات آن حدود ۲۳ مرتبه تکرار شده است که در آن از اسراف با تعبیرهای مختلف نهی شده است. به عنوان نمونه خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

۱- «... وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» (انعام/ ۱۴۱) «زیاده‌روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست ندارد.»

۲- «... وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» (اعراف/ ۳۱) «و بخورید و بیاشامید (ولی) زیاده‌روی نکنید که اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد.»

۳- «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا.» (اسراء/ ۲۷) «چرا که اسراف‌کاران برادران شیطان‌هايند و شیطان همواره نسبت به پروردگار ناسپاس بوده است.»

۲- اسراف و روایات

در روایات زیادی به مناسبت‌های مختلف، سخن از اسراف و تبذیر به میان آمده که حضرات معصومین (ع) از آن نهی کرده، اسراف‌کار را مذمت نموده‌اند. امام صادق (ع) به شخصی که شرفیاب محضرش شده بود فرمودند:

«اتق الله و لا تسرف و لا تقترب و کن بین ذلک قواما ان التبذیر من الاسراف قال الله عز و جل و لا تبذیر تبذیرا» (کافی، ج ۳، ص ۵۰۱، حدیث ۱۴۰۴)

«از خدا پروا کن و اسراف مکن. سخت‌گیری هم منما و راه میانه و اعتدال را پیشه ساز، به تحقیق تبذیر از اسراف است و خداوند فرموده است که تبذیر نکنید.»

در نامه‌ای که امام عسگری (ع) برای یکی از شیعیان به نام محمد بن حمزه فرستادند، او را به توانگردي بشارت داده، چنین توصیه فرمودند: «و عليك بالاعتصام و اياک و الاسراف فانه من فعل

الشیطنه.» (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۹۲، باب ۳، حدیث ۶۶۰) «بر توباد به میانه‌روی و اقتصاد و بر حذر باش از اسراف، زیرا این عمل از کارهای شیطان است.»

۳- اسراف و اجماع

نراقی (ره) در عوائدالایام، خود بر حرمت اسراف ادعای اجماع می‌کند و آن را از دیگران نیز نقل می‌کند. «البحث الاول فی تحریمه و هو مما لا کلام فیه و یدل علیه الاجماع القطعی بل الضرورة الدینیة.» (ملا احمد نراقی، عوائد الایام، ص ۲۱۷). بحث اول در حرمت اسراف است و آن از چیزهایی است که خلافی در آن وجود ندارد و اجماع قطعی بر آن دلالت می‌کند. بلکه حرمت اسراف از ضروریات دین است.

ابن ادریس نیز در سرائر در حرمت اسراف می‌گوید: «الاسراف فعله حرام بغیر خلاف.» (ابن ادریس، السرائر، ج ۱، ص ۴۴۰). انجام دادن اسراف حرام است و اختلافی در آن نیست.

۴- اسراف و حکم عقل

حرمت اسراف از نظر دلیل عقلی، برای هر انسان عاقل و خردمندی واضح و روشن است. چرا که از نظر عقل، اسراف‌کاری و هدر دادن سرمایه‌های زندگی و نعمت‌های الهی که وسیله بقا و حیات انسانی است، کاری لغو و بیهوده و عملی ناپسند و ولخرجی و ریخت و پاش در مصارف زندگی حکم می‌کند.

نسبی بودن اسراف و تبذیر

بی‌تردید اسراف و تبذیر از جمله اعمالی است که از آن نهی شده و به ادله اربعه حرام است. اما باید توجه داشت که اسراف و تبذیر نسبت به افراد و شرایطی که در آن زندگی می‌کنند، متفاوت است. به تعبیر دیگر، اسراف و تبذیر نسبی است، چنان که در حدیثی امام صادق (ع) فرمودند: «رب فقیر أسرف من غنی.» (کافی، ج ۳، ص ۵۶۲، حدیث ۱۱۰). «چه بسیار فقیری که از ثروت‌مند اسراف‌کارتر است.» این حدیث شریف به خوبی نسبی بودن اسراف بین دونفر را نشان می‌دهد. چون صرف هزینه‌ای که برای شخصی اسراف شمرده می‌شود ممکن است برای شخصی دیگر اسراف نباشد. این نسبت از زاویه‌های دیگر نیز قابل بررسی است. در روایات شرایط افراد با هم مقایسه شده است. اما می‌توان شرایط اجتماعی را نیز بررسی کرد. مثلاً جامعه در دو شرایط ویژه قحطی و فراوانی، تورم و ارزانی،

جنگ و صلح و... با هم متفاوت خواهد بود. چرا که این شرایط بر هزینه‌ها و اولویت‌های جامعه مؤثر است و ممکن است مصرف کالایی در زمانی هدر دادن امکانات شمرده شود و یا بیش از نیاز افراد دانسته شود و اسراف به شمار رود. در حالی که در زمانی دیگر چنین نباشد.

با افزایش امکانات تولید در جامعه، سطح اسراف نیز تغییر می‌کند چنان که پیشرفت فن آوری و صنعت بهترین گواه بر این مطلب است. کالاهایی که در گذشته نه چندان دور، کمیاب و تجملی شمرده می‌شد، امروزه از وسایل ضروری زندگی به شمار می‌آیند.

در روایتی اباصیر به امام صادق (ع) عرض می‌کند: دوستی دارم که خانه‌ای دارد به ارزش چهار هزار درهم و کنیزی دارد و غلامی که با شتر آبیاری می‌کند و روزانه دو تا چهار درهم درآمد خالص اوست. خانواده (همسر و فرزند) هم دارد. آیا او می‌تواند زکات بگیرد؟ امام (ع) فرمودند: آری، ابابصیر می‌گوید: با این همه دارایی؟ امام (ع) به ابابصیر فرمودند: «یا ابامحمد فتامرني ان آمره ان بيع داره و هي عزه و مسقط رأسه او يبيع جاريتہ التي تقيه الحر والبرد و تصون وجهه و وجه عياله او آمره ان يبيع غلامه و جملہ و هو معيشته و قوته؟ بل يأخذ الزكاه و هي له حلال و لا يبيع داره و لا غلامه و لا جملہ.» (کافی، ج ۳، ص ۵۶۲، حدیث ۱۰).

«آیا می‌گویی دستور دهم خانه‌اش را که (سبب حفظ) عزت و احترام وی است، زادگاهش است بفروشد؟ و یا کنیزی که از او مراقبت می‌کند و آبروی او و خانواده‌اش را حفظ می‌کند؟ و یا دستور دهم غلام و شتری که در آمد و روزی او را فراهم می‌کند، بفروشد؟ بلکه بتواند زکات بگیرد و برای او حلال باشد. نه خانه را بفروشد، نه غلام را و نه شتر را.»

از این فرمایش حضرت استفاده می‌شود که حد اسراف و تبذیر نسبت به افراد و موقعیت اجتماعی آنها فرق می‌کند. چه بسا نحوه خرج برای فردی اسراف باشد، ولی خرج بیش از آن حد برای فردی دیگر در مقوله اسراف و تبذیر قرار نگیرد.

انواع اسراف و تبذیر

به طور کلی آیات و روایاتی که در خصوص اسراف و تبذیر بحث می‌کنند، در دو بخش قابل تقسیم هستند: اسراف در مال، اسراف در غیر مال.

۱- اسراف در مال

اسراف و تبذیر در خصوص مال را می‌توان در زیر مجموعه اسراف در مصارف شخصی و اسراف در

مصاریفی که به خاطر دیگران انجام می‌شود، مورد بحث قرار داد.

الف) اسراف در مصرف شخصی

اسراف‌ی که در بعد اقتصادی بیشتر مورد توجه است و موجب تضعیف بنیه مالی محرومان و لذت‌طلبی مسرفان می‌شود و از بلاهای بزرگ اجتماعی است و فقر و محرومیت بیشتری به دنبال دارد، همین نوع اسراف است که هر مسلمانی با توجه به وظیفه و تعهد و مسئولیتی که در برابر خداوند و اجتماع دارد، لازم است در مخارج زندگی خویش اعم از خوراک، پوشاک و وسیله نقلیه اعتدال را مراعات نموده، از اسراف پرهیز کند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.» (انعام/۱۴۱)

«از میوه آن - چون ثمر دارد - بخورید و حق (بینویان از) آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید ولی زیاده روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست ندارد.»

علامه طباطبائی (ره) در تفسر آیه شریف می‌گوید: اینکه فرمود: «وَلَا تُسْرِفُوا» معنایش این است که در استفاده از این میوه‌ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز نکنید، درست است که شما صاحب آن هستید ولیکن نمی‌توانید در خوردن آن و بذل و بخشش از آن زیاده روی کنید و یا در غیر آن مصرفی که خدا معین نموده به کار بزنید.» (محمد حسین طباطبائی تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۷، ص ۵۰۱).

ب) اسراف به خاطر دیگران

وقتی اتفاق از حد تعادل خارج شود نسبت به اتفاق شونده و اتفاق‌کننده هردو عوارض سوء و زیانباری خواهد داشت.

قرآن کریم در باره ویژگی‌های مومنان و بندگان واقعی می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.» (فرقان/۶۷) «و کسانی که چون اتفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو (روش) حد وسط را بر می‌گزینند.»

اسراف به معنای بیرون شدن از حد اعتدال به طرف زیاده روی و تجاوز از حدی است که رعایت آن حد، سزاوار و پسندیده است. بندگان رحمان اتفاق می‌کنند و اتفاقشان همواره در حد وسط و میان اسراف و اقتار است. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۳۳۲).

خداوند متعال نسبت به پیامبر گرامی اش (ص) می‌فرماید: «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء/۲۹).
«و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار (هم) گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.»

این تعبیر به فرمایش علامه طباطبایی (ره) بلیغ‌ترین و رساترین تعبیر در مورد نهی از افراط و تفریط در انفاق است. (ترجمه تفسر المیزان، ج ۱۳ ص ۱۱۴).
توجه به این نکته ضروری است که این بیانات نشانگر آن نیست که در کارهای خیر نباید پیش قدم شد؛ بلکه رعایت حد اعتدال لازم است. و توجه به این فرمایش پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «لَا سَرْفَ فِي الْخَيْرِ» (محدث نوری، مستدرک الوسائل ج ۱۵، ص ۲۶۴، باب ۲۰، حدیث ۰۲).
«درکارهای خیر اسراف نیست.» ما را در خرج کردن و انفاق نمودن به نحو مطلوب کمک خواهد کرد.

۲- اسراف در غیر مال

الف) اسراف در قتل

در دوران جاهلیت رسم بر این بود که هرگاه کسی از روی ظلم و تعدی به قتل می‌رسید بستگان مقتول با توجه به خوی و خصلت‌هایی و حس کینه توزی و انتقام ورزی، چند نفر از بستگان قاتل را به قتل می‌رساندند. گاه فرد سرشناس از قبیله‌ای کشته می‌شد قبیله مقتول به کشتن قانع نبوده، بلکه لازم بود رئیس قبیله قاتل و یا فرد سرشناس دیگری را به قتل می‌رساندند، هرچند هیچ گونه شرکتهی در قتل نکرده بود. قرآن کریم این تجاوز و انتقام را مردود دانسته می‌فرماید: «فَلَا يُسْرَفُ فِي الْقَتْلِ» (اسراء/۳۳).
«در قتل زیاده روی و اسراف نکنید.» برای قتل یک نفر فقط یک نفر را به قتل برسانید. ضمناً توجه به صدر آیه داشته باشید که نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید.

ب) اسراف در نفس

کسی که از نظام اعتدال خارج می‌شود و با ارتکاب گناه و معصیت از حریم انسانی خود تجاوز می‌کند، اسراف کار است. اما اسراف کاری که می‌تواند مشمول پیام رحمت و امید الهی قرار گیرد.
«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (زمر/۵۳).

«بگو ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده روی روا داشته‌اید - از رحمت خدا نومید مشوید. در

حقیقت، خدا همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزنده و مهربان است.»
نکته: در خصوص انواع اسراف و تبذیر لازم به تذکر است که سه قسم اسراف وجود دارد که در همه حال و در همه جا از آن نهی شده است و اختصاص به شخص یا زمان و مکان خاصی ندارد. این سه قسم عبارتند از:

- (الف) ضایع کردن مال هرچند کم باشد؛
 - (ب) صرف مالی که مضر به بدن و سلامتی باشد؛
 - (ج) صرف مال در مواردی که حرمت شرعی دارد، مانند خرید مسکرات، آلات قمار، رشوه و...
- ما در این نوشتار در بحث پیش‌گیری و درمان به مورد اول یعنی اسراف در مال خواهیم پرداخت و از نگاه آیات و روایات در مورد آن بحث خواهیم کرد.

عوامل اسراف و تبذیر

عوامل متعددی در ایجاد و ظهور اسراف و تبذیر موثرند که لازم است مورد بررسی قرار گیرند. توجه به این عوامل از آن جهت دارای اهمیت است که بدون شناخت آن‌ها، زمینه مقابله جدی با این رذیله فراهم نخواهد شد. بنابر این، در اینجا به بیان برخی از عوامل و ریشه‌های زمینه ساز اسراف و تبذیر می‌پردازیم.

۱- خانواده

بی تردید وراثت، خانواده و محیط از عوامل مهم تربیت انسانی است. در این میان خانواده دارای اهمیت ویژه است، چرا که اولین تجربه شخصیتی فرد در خانواده شکل می‌گیرد. کودک قبل از درک گفتار والدین، از حرکات و اعمال آنها الگو می‌گیرد.

علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «قلب الحدث كالارض الخالیة ما القی فیها من شیء قبلته.»
(نهج البلاغه/ نامه ۳۱)

«قلب (نونهال و جوان) همچون زمین خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود می‌پذیرد.»
بعد بر اساس آن الگوها، شروع به همانندسازی می‌کند. اگر خانواده نتواند با ارائه الگویی مناسب در شکل‌گیری و تربیت اعضای خانواده نقش کلیدی خود را ایفا کند و یا به هر دلیلی الگویی صحیح برای مصرف ارائه ندهد و به زیاده‌روی و بی‌بندباری در مصرف خود بگردد، این روش در ساختار روحی فرزند تاثیر گذاشته، آن را به صورت یک عادت پسندیده بر گرفته از خانواده در ذهن خود نهادیه

خواهد کرد. بدین طریق، فرزندان تربیت شده در چنین خانواده‌های، خود جزء مسرفین و تبذیرکنندگان خواهند شد.

۲- مکتب

بد آموزی‌های مکتبی و آزادی‌های غلطی که در مکاتبی چون نظام سرمایه داری که هرگونه آزادی در ملکیت و بهره‌کشی و مصرف را به افراد تجویز می‌کند خود یکی از ریشه‌های اسراف و تبذیر محسوب می‌شود؛ چرا که انسان‌های تربیت یافته در چنین مکاتبی دیری نمی‌گذرد که روح اسراف‌کاری و فساد اجتماعی و اقتصادی را در جامعه سرایت داده و نظام ناموزون و ویرانگر طبقاتی را شکل می‌دهند که این امر را برای انواع تجاوز و تعدی در جامعه هموار می‌کند.

۳- محیط

انسان موجودی است که می‌خواهد برای شکوفائی و بروز استعدادهای درونی خویش راهی را که رهروان رفته‌اند امتحان کند، بلکه با سرعت بیشتر به نتیجه‌ای مطلوب دست یابد. این حالت که تقلید و پیروی از افکار و رفتار دیگران نام دارد، اگر با تفکر و توجه و لیاقت ذاتی شخص همراه باشد، حرکتی است مثبت و قابل‌پسند، ولی اگر به صورت حرکتی کورکورانه مورد استفاده قرار گیرد، اثرات زیانباری را به همراه خواهد داشت.

به مصداق «الناس علی دین ملوکهم» (بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۷) «مردم پیرو روش فرمانروایان و رهبران خود هستند.» به طوری که آنان را الگوی جهت‌طی طریق انتخاب می‌کنند. در این میان سعی استعمارگران بر این است تا میل به تقلید موجود مردم را به وسیله رؤسا و رهبران فکری جامعه ارضا کنند. ابتدا بزرگان اجتماع را مسرف و مصرف‌کننده اجناس تجملی خویش بار می‌آورند، آنگاه از طریق رسانه‌های عمومی همچون تلوزیون و جراید به تبلیغ آن می‌پردازند تا خود به خود روح اسراف‌کاری از کانال تقلید و از طریق شخصیت‌های محبوب در میان ملت رواج یابد. در چنین شرایطی است که جامعه مصرفی در سراسیمگی سقوط اقتصادی و اخلاقی قرار می‌گیرد و انواع قتل‌ها و جنایت‌ها و دزدی‌ها و... در آن به وقوع می‌پیوندد.

۴ - اقتصاد و میانه روی

غوطه‌ور شدن در نعمت، فراوانی و ثروت، موجب تجاوز انسان می‌گردد. چرا که آدمی وقتی وسایل زندگی را فراهم دید و خود را نسبت به هر چیزی، بی‌نیاز مشاهده کرد، دست به هر اسراف‌کاری و

ولخرجی می‌زند. به ویژه این مساله در جوامعی حاکم است که تربیت اصیل اخلاقی و اسلامی در آن جایگاهی نداشته، افراد خود را مهذب و خود ساخته نکرده باشند.

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَکَفٍ» (علق، آیه ۷-۶). «حقا که انسان سرکشی می‌کند. همین خود را بی‌نیاز پندارد»

خانواده‌ای که در آمد مالی و سرمایه‌اش تنها به اندازه ضرورت‌ها و نیازهای اوست، ناچار است برای پاسخ‌گویی بدان ضرورت‌ها، در صدد کنترل مصرف و اندازه‌گیری آن بر آید. ولی اگر میزان ثروت خانواده‌ای افزون بر مقدار احتیاجات و نیازهای واقعی باشد، چنانچه اعضای خانواده به ویژه مدیر خانه، از تربیت اخلاقی و فرهنگ صحیح بی‌بهره باشد، به خیال اینکه زیاده‌ری و ولخرجی به بنیه مالی آنها خللی نمی‌رساند، به این عمل کشیده خواهد شد. و این در حالی است که وجود پیامبر اسلام (ص) از این عمل نهی کرده‌اند. «نهی النبی (ص) عن قیل و قال و کثرة السئوال و اضاعة المال». (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۴، باب ۷۸، حدیث ۴). «پیامبر اکرم (ص) از سه چیز نهی و منع کردند: از قیل و قال (بگو مگوی بیهوده) از پرسش زیاد، و از ضایع کردن ثروت و اسراف در اموال (بیهوده خرجی).»

همچنین آن حضرت فرمودند: «ایاکم و السرف فی المال و النفقة و علیکم بالاعتصام». (متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۵۳، حدیث ۵۴۵۴). «از اسراف در ثروت و سرمایه و هزینه‌های بیهوده خود داری کنید و به میانه روی و اعتدال در آید.»

۵. ضعف ایمان

به توجه به آیات و روایات، عمل اسراف و تبذیل از نظر شرع مقدس اسلام عملی زشت و ناپسند تلقی گردیده و حتی در بعضی روایات با صراحت، اسراف و تبذیر از معاصی کبیره معرفی شده است. چنان که بسیاری از فقهاء نیز چنین فرموده‌اند.

در روایتی فضل بن شاذان از امام رضا (ع) نقل می‌کند که حضرت در نامه‌ای به مامون ضمن بیان مسائل مهمی از شریعت فرمودند: «الایمان هو اداء الامانة و اجتناب الکبائر». بعد به شمارش گناهان کبیره پرداختند و از جمله آنها فرمودند: «والاسراف و التبذیر». (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۲۹، باب ۴۹، حدیث ۲۰۶۶۰). «اسراف و تبذیر هم از جمله گناهان بزرگ است.»

قرآن کریم در سوره فرقان ضمن بیان صفات الرحمن، اسراف و ولخرجی نکردن را از صفات مومنان بیان می‌کند می‌فرماید: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما». (فرقان/۶۷).

همچنان که امام صادق (ع) در خصوص صفات مؤمن فرموده‌اند: «صفه المؤمن... لایبذر ولا یسرف بل یقتصد.» (شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۷۲، حدیث ۲). «انسان مؤمن اسراف و زیاده روی نمی‌کند، بلکه روی را پیشه خود می‌گیرد.»

اعتدال و میانه روی روشی است که باید در زندگی فردی و اجتماعی حاکم باشد و اگر کسی از این حد خارج شود و بر خلاف فطرت و طبیعت بشری خویش عمل کند، گام در مسیر اسراف و تبذیر گذاشته که نشان از ضعف ایمان است.

۶. جهل و بی خبر

جهل و نادانی و بی خبری انسان از قوانین، حدود و مقررات اسلامی یکی از عوامل اصلی و اساسی «اسراف و تبذیر» به شمار می‌رود. هم‌چنان که «صرفه جویی» نشانه «عقل» و خردورزی است، «اسراف و تبذیر» نیز از علائم روشن و نمونه بارز «جهل» است.

امیر مومنان علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «لا جهل کالتبذیر.» (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم، حدیث ۸۱۴۴). «هیچ جهلی همچون تبذیر و بیهوده خرجی نیست.» زیرا جهل است که انسان‌ها را وادار به اسراف و نابود کردن اموال و نعمت‌های خدادادی و ضایع کردن سرمایه‌ها و امکانات می‌کند.

به دیگر سخن: اسراف کاران از روری جهالت، حکم بدیهی و ضروری عقل و شرع را مبنی بر اعتدال در مصارف و هزینه‌ها زیر پا گذاریده، یا حیف و میل نسنجیده نعمت‌های الهی از خط قرمز شرع گذشته در صف لشکریان جهل، علیه لشکر عقل صف آرایی می‌کنند، چنان که امام کاظم (ع) به هشام فرمود: ای هشام! برای عقل و جهل لشکریانی است که از جمله لشکریان عقل میانه روی است. همان طور که اسراف و زیاده روی از لشکریان جهل است. «یا هشام جنود العقل والجهل... القصد، الاسراف.» (ابومحمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه الحرانی، تحف العقول، ص ۴۰۲).

توجه به این نکته لازم است که بین فرد جاهل به حکم با فرد جاهل به موضوع فرق است. به عبارت دیگر: بین فردی که اصلاً از اسراف و حکم آگاه نیست با کسی که از حکم آن مطلع است، ولی نسبت به مصادیق و موضوعات آن جاهل است باید فرق گذاشت.

۷- فساد اخلاقی

فردی که خود را به تجاوز و قانون شکنی عادت داده و به گناه و سرکشی خو گرفته است، معمولاً در امور مالی فرد معتدلی نیست چرا که او همواره بر اساس پیروی از هوا و هوس، در پی ارضای تمایلات

افسار گسیخته خویش است و در این راستا سرمایه خویش را در راه تامین خواسته‌های نفسانی به هدر می‌دهد. شاید بر همین اساس باشد که در قرآن کریم، عنوان اسراف در کنار برخی از گناهان ذکر شده باشد. آنجا که می‌فرماید: «ان الله لایهدی من هو مسرف کذاب.» (غافر/۲۸). «خدا کسی را که افراط کار و دروغ زن باشد هدایت نمی‌کند.» «کذلک یضل الله من هو مسرف مرتاب.» (غافر/۳۴) «این گونه خدا هر که را افراط گر شکاک است، بی‌راه می‌گذارد.»

۸- خود نمایی

کسی در دوران زندگی شخصی جهت رسیدن به آرزوها و خواسته‌های خویش ناکام مانده و با تنگدستی و محرومیت دست به گریبان بوده، این سرخوردگی‌های انباشته شده به تدریج تبدیل به عقده‌های روانی گشته، در شخصیت وی ایجاد اختلال می‌نماید. در چنین شرایطی شخص سرخورده، دنبال مکانیسم‌های روانی است تا بتواند عقده‌های گذشته خود را به نحوی خالی کند.

اسراف و ریخت و پاش غیر معقول یکی از این راه‌هاست؛ چرا که شخص مسرف، با اسراف کاری در جستجوی بازیافتن شخصیت سرکوب شده خویش است و فکر می‌کند با این روش در اجتماع به عنوان فردی دست و دلباز و بی‌اعتنا به ثروت و دارایی مطرح می‌شود.

در روایتی رسول گرامی اسلام (ص) هر کسی را که از روی ریا و سمعه، ساختمانی بسازد، تهدید به عذاب الهی کردند، گفته شد: «فقیل یا رسول الله کیف یبنی ریا و سمعة فقال یبنی فضلا علی ما یکفیه استطالة به علی جیرانه و مباهاة لاخوانه.» (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۳۸، باب ۲۵، حدیث ۶۷۲۸).

«یا رسول الله! چگونه بنایی بر اساس ریا و سمعه ساخته می‌شود، حضرت فرمودند: بدین صورت که برای بزرگی فروختن بر همسایگان و فخر فروشی بر برادران دینی‌اش بیش از حد لازم برای خود ساختمان بسازد.»

در این روایت با صراحت، خودنمایی و نمایش به دیگران، ریشه زیاده روی و خرج کردن بیش از اندازه معرفی شده است.

۹- طغیان و سرکشی

حالت بی‌نهایت طلبی انسان و تحمیل خواسته‌ها و حاکمیت خود بر جامعه که از آن به استکبار یاد می‌شود، یکی دیگر از عوامل اسراف و تبذیر است. فرد مستکبر چون خواستار دوام قدرت و سلطه خود بر جامعه و تسلیم نمودن توده‌های مردم در برابر خواسته‌های خویش است، و چون می‌خواهد

حاکمیت خویش را هرچه با شکوه‌تر جلوه دهد، از همه امکانات و ابزارها برای این کار بهره می‌گیرد. قرآن کریم در این خصوص از فرعون یاد می‌کند که «وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ - مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ.» (دخان/ ۳۱-۳۰). «و به راستی، فرزندان اسرائیل را از عذاب خفت آور رهانیدیم از (دست) فرعون که متکبری از افراطکاران بود.» «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ.» (یونس/ ۸۳). «در حقیقت فرعون در آن سرزمین برتری جویی و اسراف کاران بود.»

در این دو آیه شریفه، فرعون با صفت «مسرف» آن هم بعد از استکبارورزی و برتری طلبی معرفی شده است که خود کویای ارتباط تنگاتنگ اسراف با طغیان و استکبار است.

آثار فردی و اجتماعی دنیوی اسراف و تبذیر

از آیات قرآن و روایات معصومین (ع) استفاده می‌شود که برای فرد مسرف و ولخرج، آثاری است که هم در دنیا و هم در آخرت گریبانگیر او خواهد بود. آثار فردی و اجتماعی دنیوی اسراف و تبذیر عبارتند از:

۱- بی برکتی

اسراف که عملی بر خلاف تقوا و دستورات و سفارشات خدا و اولیای الهی است، باعث می‌شود که برکت از زندگی انسان رخت بربندد. امام صادق (ع) فرمودند: «ان مع الاسراف قلة البركة» (کافی، ج ۴، ص ۵۵، حدیث ۳). «همان اسراف همراه با کاهش برکت و کمبود نعمت‌های الهی است.»

۲- زوال نعمت

یکی از آثار شوم اسراف و تبذیر این است که فراوانی مال و ثروت را از بین برده، باعث تباهی و زوال نعمت می‌شود. امام علی (ع) فرمودند: «القصود مشاة والسرف مشواة.» (کافی، ص ۵۲، حدیث ۴). «اعتدال و میانه‌روی موجب فراوانی مال و ثروت و اسراف و زیاده‌روی باعث تباهی و نابودی است.» امام صادق (ع) در این خصوص فرمودند: «من قدر معيشته رزقه الله و من بذر معيشته حرمه الله.» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۰۲، باب ۲۳، حدیث ۴۱). «هر کس در زندگی اندازه نگه‌دارد، خدایش روزی می‌دهد و هر که اسراف کند خداوند او را از رزق و نعمت محروم می‌سازد.» از امام کاظم (ع) نقل شده که فرمودند: «من اقتصد و قنع بقيت عليه النعمة و من بذر و اسرف زالت

عنه النعمة.» (تحف العقول، ص ۴۰۳). «کسی که در زندگی میانه‌روی و قناعت ورزد در نعمت باقی می‌ماند و آنکه اسراف کاری و ریخت و پاش زندگی کند نعمتش زوال می‌پذیرد.»

۳- ورشکستگی مالی

یکی دیگر از آثار زیانبار افراط کاری و ولخرجی که کم و بیش در اطراف خود به چشم نظاره‌گر آن بوده‌ایم، ورشکستگی مالی افراد مسرف است. خیلی از افراد به خاطر داشتن ثروت زیاد دست به انواع ریخت و پاش و ولخرجی می‌زنند و چون دارای ثروت هستند ترسی از آینده به خود راه نمی‌دهند. غافل از اینکه ولخرجی همیشه ملایم مفلسی و بینوایی است. از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده که حضرت ولخرجی و اسراف را قرین ورشکستگی دانسته‌اند: «التبذیر قرین مفلس.» (غرر الحکم، حدیث ۸۱۳۶). «ولخرجی همنشین مفلس و بینواست.»

اگر این اسراف کاری و ولخرجی از حد اعتدال و میانه روی تجاوز کند و فرد مسرف به این ریخت و پاشی که انجام می‌دهد مغرورانه افتخار کند، طولی نمی‌کشد که استخوان‌های فقرات او زیر ضربات سهمگین ورشکستگی مالی خرد شده، به خاک مذلت کشیده می‌شود. علی (ع) فرمودند: «من افتخر بالتبذیر احتقر بالافلاس.» «هرکس به ولخرجی و ریخت و پاش افتخار کند، با تهی دستی (ورشکستگی مالی) خرد و خوار می‌شود.»

۴- فقر و تنگدستی

بی‌شک یکی از عوامل مهم فقر و تنگدستی در جهان، مساله اسراف و تبذیر است. آنهایی که دست به ولخرجی و ریخت و پاش‌های بی‌حد و حساب می‌زنند و با اسراف کاری امکانات مادی بیشتری را صرف هوس‌های خود می‌کنند، سرانجامی جز تهیدستی و شکست اقتصادی در انتظار ندارند. علی (ع) فرمودند: «سبب الفقر الاسراف.» (غرر الحکم، حدیث ۸۱۲۶). «زیاده روی و اسراف سبب تهیدستی و فقر است.»

امام صادق (ع) به عبید فرمودند: «یا عبید ان السرف یورث الفقر و ان القصد یورث الغنی.» (کافی، ج ۴، ص ۵۳، حدیث ۸). «ای عبید اسراف و زیاده روی باعث فقر و تنگدستی می‌شود و میانه روی موجب ثروت و بی‌نیازی می‌گردد.»

۵- نابودی امکانات

از جمله آثار اسراف و تبذیر این است که هر جا ولخرجی و افراط کاری صورت بگیرد، موجب نابودی

امکانات می‌شود. امیر مؤمنان علی (ع) فرمودند: «الاسراف یفنی الجزیل.» (غرر الحکم، حدیث ۸۱۱۸). «اسراف و زیاده روی، حسنات و امکانات زیاد را کم و نابود می‌سازد.» همچنین فرمودند: «الاسراف یفنی الكثير.» (غرر الحکم، حدیث ۸۱۱۹). «اسراف و زیاده روی مال زیاد را نابود می‌کند.»

۶- بخل

یکی از صفات اخلاقی که مورد توحه دین و اولیای الهی است و خود حضرات معصومین (ع) آن را جزء سیره و روش خود قرار داده بودند، جود و بخشش است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) و لخرجی و افراط کاری در مصرف یکی از آفات این فضیلت اخلاقی بیان شده است. قال النبی (ص) «آفه الجود السرف.» (غرر الحکم، حدیث ۸۲۲۶). «اسراف کاری آفت جود و بخشش است.» یعنی اسراف و تبذیر فرد باعث می‌شود که او نتواند جود و بخشش داشته، به این صفت اخلاقی عمل کند.

۷- بیماری جسمی

امروزه تحقیقات دانشمندان به این نتیجه رسیده که سرچشمه بسیاری از بیماری‌ها، غذاهای اضافی است که به صورت جذب نشده در بدن باقی می‌ماند. این مواد اضاف هم بار سنگینی برای قلب و سایر دستگاه‌های بدن و هم منبع آماده‌ای برای انواع عفونت‌ها و بیماری‌ها است. لذا برای درمان بسیاری از بیماری‌ها، نخستین گام همین است که این مواد مزاحم که در حقیقت زباله‌های بدن است سوخته و پاکسازی شوند.

عامل اصلی تشکیل این مواد مزاحم، اسراف و زیاده روی در تغذیه و به اصطلاح «پرخوری» است و راهی برای جلوگیری از آن جز رعایت اعتدال در غذا نیست. (تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۵۲).

بی جهت نیست که علی بن حسین واقد در جوب طبیب مسیحی که پرسید: در کتاب شما از علم طب چیزی نیست. در حالی که علم دوتاست، علم پزشکی و علم ادیان. گفت: خداوند تمام پزشکی را در نصف آیه جمع کرده است. آنجا که می‌فرماید: «کلوا و اشربوا و لا تسرفوا.» (اعراف/۳۱). و پیامبر ما تمام پزشکی را در یک جمله خلاصه کردند و فرمودند: «المعدة کل الداء والحمية رأس کل داء.» «معه خانه هر بیماری و پرهیز اصل هر داروست.» طبیب مسیحی گفت گفت: قرآن و پیامبر شما از پزشکی برای جالینوس چیزی باقی نگذاشته‌اند.» (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۱۲).

۸- محرومیت از هدایت

خدای متعال همواره درهای رحمتش را به روی بندگان گشوده و با ارسال پیامبران، همگان را جهت رسیدن به کمال و قرب الهی فراخوانده است. اما گاه عواملی باعث می‌شود که انسان در این مسیر قرار نگرفته، از هدایت الهی محروم می‌ماند. یکی از این عواملی که باعث محرومیت انسان از هدایت می‌شود، اسراف و تبذیر است. قرآن کریم در باره اسراف کاران و کسانی که در معصیت و گناه پا را از حد فراتر نهاده‌اند، می‌فرماید: «ان الله لایهدی من هو مسرف کذاب.» (غافر/۲۸) «خدا کسی را که افراط کار دروغ زن باشد هدایت نمی‌کند.» به عبارت دیگر اسراف از آنها سلب توفیق کرده، بهره‌ای از بینات و معجزات نمی‌برند. در نتیجه در وادی ضلالت و گمراهی باقی می‌مانند.

۹- محرومیت از بزرگ منشی

خصلت شرافت که فرد را در اجتماع مورد تکریم و احترام قرار می‌دهد با افراط کاری و ولخرجی از بی می‌رود. امیر المؤمنین علی (ع) فرمودند: «من اشرف الشرف الکف عن التبذیر والسرف.» (غرر الحکم، حدیث ۸۱۴۳). «از شریف ترین اسباب شرافت، خود داری از تبذیر و اسراف است.» اگر فرد دست به اسراف و تبذیر بزند، دست خود اسباب شرافت را از بین خواهد برد.

۱۰- سلب توفیق

یکی دیگر از آثار دنیوی اسراف و تبذیر، بی‌رغبتی به انجام کارهای خیر است. معمولاً انسان‌ها در انجام کارهایی که نفع عمومی دارند، خود را به نوعی شریک می‌کند تا از اجر و ثواب اخروی آن بی‌بهره نمانند. اما آنهایی که اهل ولخرجی و اسراف هستند دستشان از این کارها کوتاه است. چنین افرادی نه تنها دستی در خیرات ندارند، بلکه در جهت نشر کارهای باطل تلاش کرده بر این تلاش خود مباحثات می‌کنند. چه بی‌توفیقی از این بدتر که انسان در این مسیر قدم بردارد.

رسول گرامی اسلام (ص) در حدیثی ضمن بیان نشانه‌های افراد اسرافکار به این مطلب اشاره می‌کنند که: «اما علامه المسرف فاربعة: الفخر بالباطل و یا کُل مالیس عنده و یزهد فی اصطناع المعروف و ینکر من لا ینتفع بشیء منه.» (تحف العقول، ص ۲۱). «نشانه اسرافکار چهار چیز است: به کارهای باطل می‌نازد، آنچه را فراخور حالش نیست می‌خورد، در کارهای خیر بی‌رغبت است و هرکس را که به او سودی نرساند انکار می‌کند.»

۱۱- عدم استجابت دعا

خداوند متعال دستور به خواندن می دهد تا خود دعاها را اجابت نماید. اما گاه به خاطر عللی اجابت دعاها به تاخیر افتاده یا مستجاب نمی شود. یکی از عواملی که باعث عدم استجابت دعا ذکر شده، اسراف کاری و تبذیر است.

امام صادق (ع) فرمودند: «اربعه لا تستجاب لهم دعوة... ورجل كان له مال فافسده فيقول اللهم ارزقني فيقال له الم آمرک بالاقتصاد الم آمرک بالاصلاح.» (کافی، ج ۲، ص ۵۱۱، حدیث ۲). «چهار دسته هستند که دعایشان مستجاب نمی شود... و مردی که مالی داشته آن را ضایع کند می گوید: خدایا به من روزی بده، گفته می شود: آیا تو را به اقتصاد و میانه روی و اعتدال در خرج امر نکردیم؟ آیا به تو دستور اصلاح در مال را ندادیم؟»

۱۲- هلاکت

اسراف از هر نوعی که باشد انسان را به نابودی می کشاند به خصوص افرادی که از طریق انکار آیات الهی و تکذیب پیامبران در مورد خویشتن و جامعه ای که در آن زندگی می کنند اسراف نمایند، به طور یقین به هلاکت خواهند رسید. خدای منان می فرماید: «ثم صدقناهم الوعد فانجيناهم و من نشاء و اهلكنا المسرفين.» (انبیاء/۹). «سپس وعده (خود) به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراط کاران را به هلاکت رسانیدیم.»

علی (ع) در خصوص به هلاکت رساندن اسراف کاری می فرماید: «کثرة السرف تدمر.» (غرر الحکم، حدیث ۸۱۲۹). «اسراف کاری زیاد انسان را به هلاکت می کشاند.»

۱۳- طغیانگری به وسیله ثروت

قرآن کریم می فرماید: «و کم اهلکنا من قرية بطرت معیشتها.» (قصص/۵۸). «و چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم؛ زیرا زندگی خوش آنها را سرمست کرده بود.» می فرماید: ما بسیاری از شهرهایی را که مست و مغرور نعمت و زندگی مرفه بودند نابود کردیم چرا که غرور نعمت آنها را به طغیان سوق داده باعث ظلم و بیدادگری است.

منشأ طغیان به وسیله ثروت ناشی از این است که دارنده ثروت نمی داند که رکن حیات مادی انسان ها کار و کالاهای است که به وجود می آورند و می خواهند حیات خود را به وسیله آن تامین کنند. یا می داند ولی قدرت طلبی او نمی گذارد مطابق درک خود در باره وسائل حیات مردم عمل نماید. در

نتیجه مال و ثروت را در جهت ایجاد خلل به عدالت اجتماعی به کار می‌اندازد. پس در حقیقت چنین شخصی نخست اسراف‌گر می‌شود سپس به طغیان‌گری می‌پردازد.

۱۴- خود کامگی

خداوند در قرآن می‌فرماید: «و اذا ارادنا ان نهلك قرية امرنا مترفيها ففسقوا فيها فحق عليها القول فدمرناها تدميرا.» (اسراف/۱۶). «و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم خوش گذرانانش را و می‌داریم تا در آن به انحراف (و فساد) پردازند و در نتیجه عذاب بر آن شهر لازم گردد پس آن را یکسره زیر و زبر کنیم.»

مترف کسی را گویند که افسارش را رها کرده باشد و هرچه دلش خواست بکند و جلویش را نگیرد. (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۸۰). بی‌تردید سرچشمه غالب مفاسد اجتماعی ثروتمندان از خدا بی‌خبری هستند که در ناز و نعمت و عیش و هوس غرقند و هر نغمه اصلاحی و انسانی و اخلاقی در گوش آنها ناهنجار است. ریشه اصلی فساد اجتماعی همین گروه هستند که همیشه در صف اول در مقابل انبیاء ایستاده‌اند. و دعوت آنها را که به نفع عدل و داد و حمایت از مستضعفان بوده بر ضد خود می‌بینند. (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۶۰).

اسراف و ولخرجی که عنوان ثروتمندی را یدک می‌کشد نتیجه‌ای جز طغیان‌گری و خودکامگی و شناختن حدود الهی ندارد و چون سهمگین جامعه را فساد و تباهی کشانده، بنیان‌های آن را تخریب می‌کند.

۱۵- خونریزی

یکی دیگر از آثار اسراف و تبذیر، خونریزی است. کسانی که فکر قارونی دارند و مال و صثروت زیادی برای خود جمع کرده‌اند جهت رسیدن به لذات و جاه‌طلبی‌های خود فرعون گونه دست به هر جنایتی می‌زنند. به راحتی خون انسان‌های بی‌گناه را می‌ریزند تا موقعیت خود را تثبیت کنند.

نوع دیگر این مساله را ما در جامعه خود شاهدیم. کسانی که ثروت زیادی دارند و اسراف و ولخرجی جزء تربیت خانوادگی آنها شده مبلغی پول به دست فرزند می‌دهند و با ماشین آخرین مدل او را روانه خیابان می‌کنند. چنین افرادی به راحتی بی‌گناهی را زیر می‌گیرند و والدین آنها بجای متنبه شدن به ثروت خود بالیده دیه مقتول را می‌پردازند. مثل اینکه آب از آب تکان نخورده و خونی ریخته نشده است. چه زیبا فرموده حضرت باقر (ع) که نتیجه اسراف کاری چیزی جز این نخواهد بود. «المسرفون الذین هم ... یسفکون الدماء.» (میزان الحکمه، حدیث ۸۴۹۱). «اسراف کاران آنانی هستند که خون می‌ریزند.»

آثار اخروی اسراف و تبذیر

در قرآن و روایات برای اسراف و تبذیر آثار اخروی نیز بیان شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- خشم الهی

از آنجایی که فرد اسراف کار تعادل و توازن اقتصادی جامعه را برهم می‌زند از رحمت خداوند به دور بوده گرفتار خشم الهی می‌شود؛ همان گونه که در قرآن کریم آمده: «و لا تسرفوا انه لا يحب المرفین.» (انعام/۱۴۱) «زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.» امام به حق ناطق جعفر صادق (ع) هم در این زمینه فرمودند: «ان السرف امر یغضه الله.» (کافی، ج ۴، ص ۵۲، حدیث ۲) «اسراف از اموری است که مورد غضب خداوند است.»

۲- کیفر اخروی

کسانی که از ذکر خدا اعراض نموده آیات او را فراموش کنند همچنین آنهایی که نعمت‌های خدا دادی چون چشم و گوش و عقل را در مسیرهای غلط به کار گرفته آنها را بیهوده برباد دهند، نه تنها گرفتار فقر و تنگدستی در دنیا می‌شوند بلکه عذاب اخروی نیز در انتظار آنها خواهد بود. «و کذلک نجزی من اسرف و لم یؤمن بآیات ربه و لعذاب الآخرة اشد و ابقى.» (طه/۱۲۷) «و این گونه هر که را که به افراط گرایده به نشانه‌های پروردگار نگرویده است، سزا می‌دهیم و قطعاً شکنجه آخرت سخت تر و پایدارتر است.» همچنین فرمود: «و ان المرفین هم اصحاب النار.» (غافر/۴۳) «افراط گران همدمان آتشند.»

۳- خواری قیامت

وقتی امیر المؤمنین (ع) در عطایای بیت المال رعایت مساوات کردند عده‌ای از خودخواهان بر حضرت ایراد گرفته آن را بر خلاف سیاست دانستند. حضرت ضمن ایراد خطبه‌ای به آنها فرمود: «...الا و ان اعطاء المال فی غیر حقه تبذیر و اسراف و هو یرفع صاحبه فی الدنیا و یضعه فی الآخرة یکرهه فی الناس و یهینه عند الله و لم یضع امرؤ ماله فی غیر حقه و لا عند غیر اهله الا حرمه الله شکرهم و کان لغیره ودهم...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶) «آگاه باشید بخشیدن مال در غیر موردش تبذیر و اسراف است. این کار در دنیا ممکن است باعث سربلندی انجام دهنده آن شود ولی در آخرت موجب سر افکندگی وی می‌گردد. (احیاناً) در میان مردم

(دنیا پرست) گرامیش می‌نماید ولی در نزد خداوند خوارش می‌سازد. هیچ کس مال خودش را در غیر راهی که خداوند فرموده مصرف نکرده و به غیر اهلش نسپرد جز اینکه سرانجام خداوند او را از سپاس گذاری آنان محروم ساخت و محبتشان را متوجه دیگری نمود.»

پیش‌گیری و درمان اسراف و تبذیر

به کمک روش‌های تربیتی زیر ضمن پرهیز از اسراف و تبذیر می‌توان ریشه‌های آن را خشکانده این رذیله را درمان کرد.

الف) روش‌های شناختی

منظور از روش‌های شناختی روش‌هایی است که برای ایجاد تغییر در شناخت و نگرش افراد استفاده می‌شود تا با اعطای بینش صحیح به افراد زمینه درمان اسراف کاری را فراهم کند.

۱- روش زمینه سازی

در این روش به ایجاد زمینه‌ها و زیرساخت‌های مناسب رفتار مطلوب و جلوگیری از بروز رفتارهای نامطلوب اقدام می‌شود.

یکی از اساسی‌ترین راه‌های پیش‌گیری از اسراف و تبذیر از بین بردن عوامل مولد اسراف است. فرد اسراف کار به واسطه یکی از علل خودنمایی، چشم و هم‌چشمی، تربیت ناصحیح خانواده، تقلید، وسواس و... به این بلیه گرفتار می‌شود. اگر خودنمایی و ثروت زیاد دست به دست هم داده انگیزه ریخت و پاش را برای فرد اسراف کار به وجود می‌آورد، باید ریشه آن را شناسایی کرده از بین برد. اگر توجه شود که دور ریختن ته مانده غذا یا هدر دادن اضافه آب لیوان و... کم‌کم زمینه برای اسراف کاری‌های کلان می‌شود. باید این عوامل مولد و علل زمینه ساز را ریشه کن ساخت. بنابر این شناخت زمینه‌ها و برنامه ریزی برای برطرف ساختن آنها، اولین قدم در راه ریشه کن ساختن اسراف محسوب می‌شود.

امام صادق (ع) عدم استفاده بهینه از نعمت‌های الهی را زمینه ساز اسراف و کمترین مرحله آن می‌داند. «ادنی الاسراف هراقه فضل الاناء.» (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۸، حدیث ۵۸۰) «کمترین اندازه اسراف دور ریختن ته مانده ظرف آب یا غذاست.» پس ضروری است اولین قدم را در خانواده برداشت به طوری که جلوگیری از اسراف جزء فرهنگ خانوادگی قرار بگیرد و بعد از آن به صورت گسترده در جامعه فرهنگ سازی کرده همگان را به پرهیز از اسراف و تبذیر فراخواند. که اگر به صورت

نهادینه با آن برخورد شود دیری نمی‌گذرد که ریشه اسراف خشکیده می‌شود.

۲- روش مواجهه با نتایج اعمال

در این روش که زیاد یا سود عملی را که فرد انجام می‌دهد نشان می‌دهند به او تا با توجه به پیامد عملش انگیزه و زمینه مناسبی جهت انجام یا ترک آن بدست آورد. با ظهور انگیزه درونی الزام بیرونی جای خود را به الزام درونی می‌دهد و فرد خود را از درون ملزم به ترک یا انجام عمل می‌نماید. توجه به ضرر و زیان‌هایی که به خاطر عدم اعتدال و میانه روی متوجه انسان می‌شود همچنین به زیان‌های اقتصادی بزرگی که به خاطر اسراف و ولخرجی به فرد و اجتماع وارد می‌شود، در پیش‌گیری و درمان افراط کاری مؤثر خواهد بود. چه ضرر و زیانی از این بالاتر که انسان به خاطر اسراف و تبذیر در گمراهی قرار گرفته، توفیق هدایت و راه‌یابی را از دست بدهد و در نتیجه خسران دنیا و آخرت را برای خود خریداری کند. «كذلك يضل الله من هو مسرف مرتاب.» (مؤمن/۳۴). «و چه زیانی از این بزرگتر که فرد یا جامعه‌ای به آتش فقر اقتصادی که علی (ع) می‌فرماید: «سبب الفقر الاسراف.» گرفتار شده دست نیاز به سوی اجانب و بیگانگان دراز کند و چه عاقبتی بدتر از این که هرچه انسان تلاش و کوشش کند برکتی که امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان مع الاسراف قلّة البرکة.» از زندگی و تلاش خود نبیند.»

۳- روش اعطای بینش

منظور از روش تربیتی اعطای بینش آن است که با ایجاد آگاهی‌های عمیق و گسترده در ذهن، فکر و باطن فرد، زمینه را برای تغییر در رفتار او فراهم سازیم. این روش که از مهم‌ترین روش‌های تربیت اسلامی است برای از بین بردن بسیاری از رذایل اخلاقی مورد استفاده قرار گرفته است. بعضی موقع اسراف و تبذیر به خاطر این صورت می‌گیرد که اطلاع رسانی دقیقی در باره جزئیات و نکوهش این عمل صورت نگرفته یا فرد مسرف خود نخواستہ اطلاعات لازم را کسب کند. اگر ما بینش فرد را نسبت به مساله تبذیر و افراط کاری بالا ببریم و او را متوجه کنیم که «ادنی الاسراف هراقه فضل الاناء و ابتذال ثوب الصون و القاء النوى.» (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۸۸، حدیث ۵۸). به فرمایش امام صادق (ع) «کترین هزینه اسراف درو ریختن ته مانده ظرف (آب یا غذا) و تبدیل لباس بیرون به لباس خانه و دم دستی و دور انداختن هسته‌های خرما و میوه است.» هیچ وقت دست به اسراف و تبذیر نخواهد زد.

اگر خود فرد را به ناهنجاری‌های این عمل متوجه کنیم نه تنها اسراف و ولخرجی صورت نخواهد

گرفت بلکه مسرف خود به پیش‌گیری و درمان آن اقدام خواهد کرد. پس لازم است به کمک روش اعطای بینش، اطلاعات و آگاهی‌های لازم را به اثرات تخریبی اسراف و تبذیر به اطلاع فرد برسانیم. به فرض اگر اسراف کار بداند که اسراف نمودی از جهالت فرد است «قال علی (ع): لاجهل کالتبذیر.» و هرکس افراط و اسراف کاری کند، یکی از نشانه‌های منافقین را «قال علی (ع): وان عدلوا کشفوا وان حکموا اسرفوا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵) «منافقین هنگام عزل و سرنش افراد پرده در می‌کنند و چون حکم در باره کسی دهند اسراف می‌کنند.» در خود تقویت می‌کند، بدون تردید دست به چنین عمل ناپسندی نخواهد زد. خداوند منان خود اولین بینش را به اسراف کار می‌دهد که «ان الله لایهدی من هو مسرف کذاب.» (مؤمن/۲۸). «خداوند کسی را که افراط کار دروغ زن باشد هدایت نمی‌کند.» پیامبر اکرم (ص) در باره اثرات تخریبی اسراف چنین آگاهی می‌دهد که «من بذر افقره الله.» (بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۱، حدیث ۱۰). «هر کس اسراف و تبذیر کند خداوند او را به فقر مبتلا خواهد کرد.»

امام علی (ع) هم می‌فرماید: «من لم یحسن الاقتصاد اهلکة الاسراف.» (غرر الحکم، حدیث ۸۰۷۴). «هرکس اقتصاد و میانه روی را در پیش نگیرد اسراف او را هلاک خواهد کرد.» به طور یقین با افزایش بینش فرد، مسرف از این عمل دست کشیده آن را درمان خواهد کرد.

۴- روش عبرت‌پذیری

مراد از این روش آن است که انسان تحولات و تطورات را به دیده عبرت بنگرد و از آنچه بر دیگران رفته درس بگیرد که اگر چنین کند به نوعی خود نگهداری که حفاظتی مبتنی بر بینایی است، دست یافته از اشتباهات و لغزش‌های او کاسته خواهد شد.

یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن بیان داستان‌ها و اتفاقات امت‌های پیشین است تا شنونده را به عبرت‌پذیری از آن وا دارد. گاه بعد از بیان مقصود تاکید بر عبرت‌پذیری هم می‌کند تا مخاطب متوجه باشد که اگر عبرت نگیرد خود به آن بلاها گرفتار خواهد شد. در باره اسراف و تبذیر هم لازم است ما به افرادی که ولخرجی ریخت و پاش می‌کنند و احترام نعمت‌های الهی را نگه نمی‌دارند سرگذشت عبرت بار گذشتگان را بیان کنیم که اگر خدای ناکرده پیش‌گیری نشود آنها هم گرفتار خواهند شد. شکی نیست استفاده از این روش در درمان اسراف اثر مطلوبی خواهد گذاشت.

قرآن کریم سرگذشت فرعون را جهت عبرت‌گیری بیان می‌کند که «ان فرعون لعال فی الارض و انه من المفسدین.» «در حقیقت فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسراف کاران بود.» فرعون با برتری

جوی و اسراف کاری در زمین فساد کرد و خداوند بساط ظلم را برهم پیچید و هرکس فرعون‌ی فکر کند و فرعون‌ی زندگی کند هر آینه خداوند با او چنان رفتار خواهد کرد.

امام صادق (ع) در حدیثی سرگذشت امتی را بیان کردند که در خصوص استفاده از نان، ولخرجی و اسراف و استفاده نامناسب را به حدی رساندند که خداوند نعمت خود را از آنها گرفت. حضرت فرمود: «هُم أَهْلُ الْقَرْيَةِ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَوْسَعَ عَلَيْهِمْ فِي مَعَايِشِهِمْ فَاسْتَحْشَنُوا الْإِسْتِحْجَاءَ بِالْحِجَارَةِ وَاسْتَعْمَلُوا مِنْ خُبْرَةٍ مِثْلَ الْأَفْهَارِ وَكَانُوا يَسْتَحْجُونَ بِهَا فَبَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ دَوَابَّ أَصْغَرَ مِنْ الْجَرَادِ فَلَمْ تَدَعْ لَهُمْ شَيْئاً مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ شَجَرٍ وَ لَا نَبَاتٍ إِلَّا أَكَلَتْهُ فَبَلَغَ بِهِمُ الْجُحْدُ إِلَى أَنْ رَجَعُوا إِلَى الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَحْجُونَ بِهِ مِنَ الْخُبْرِ فَيَأْكُلُونَهُ.» (بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۴۳۱، باب ۲۰، حدیث ۱۶).

«خداوند در روزی گروهی از مردم وسعت و گشایش داد تا هنگامی که سر به طعیان گذاشتند و سنگ را برای تطهیر خود خشن احساس کردند از این رو برای این کار از نان استفاده کردند. در این هنگام خداوند آنان را به قحطی و گرسنگی گرفتار کرد و آن گروه به ناچار آذوقه‌های خود را در انبارها ذخیره می‌نمودند تا محفوظ بماند. خداوند حشرات کوچک‌تر از پشه برای آنها برانگیخت تا ذخیره آنان را فاسد نمایند و بدین رو مجبور شدند برای تامین آذوقه خود به همان پاره نان‌های آلوده‌ای که جمع شده بود روی آوردند و آنها را بخورند.»

ب) روش های رفتاری

منظور از روش های رفتاری روش های است که با ایجاد تغییر در رفتار و عمل کرد فرد زمینه پیش گیری و درمان از اسراف و تبذیر را فراهم می‌سازند.

۱- روش تغییر موقعیت

در این روش تربیتی با ایجاد در موقعیت مکانی، اجتماعی و... تاثیر مطلوب را در فرد پی‌ریزی می‌کنیم.

فاصله گرفتن از کسانی که اسراف کاری می‌کنند، فاصله گرفتن از آشنایان، فامیل و... که به نوعی ما را جهت ولخرجی و ورخت و پاش تحریک می‌کنند در پیش گیری و درمان اسراف مؤثر خواهد بود. البته باید توجه داشت که این فاصله گیری نباید منجر به قطع رحم شود که به شدت از آن نهی شده است.

علی (ع) در باره شناسایی افراد اسراف کار می‌فرماید: «للمسرف ثلاث علامات يأكل ماله و

یشتی مالیس له و یلبس ما لبس له.» (خصال، ج ۱، ص ۹۷ حدیث ۴۵). «اسراف کننده سه نشانه دارد می خورد آنچه را که شایسته او نیست می خرد آنچه در شأن و شایسته وی نیست، و می پوشد آنچه را سزاوار و لایق به حال او نیست.»
با فاصله‌گیری و محدود کردن رفت و آمد و مصاحبت با افراط‌کاران می‌توان از این رذیله پیش‌گیری کرده آن را درمان نمود.

۲- روش موعظه

موعظه چیزی است که قلب را رقت و نرمی داده، عواطف را تحریک می‌کند و موجب می‌شود که انسان از پلیدی و کجی دست بکشد و به راستی و خوبی دل ببندد. روش موعظه راهی است برای زدودن قساوت از دل و فراهم کردن زمینه لطافت آن در جهت دوری از اسراف و تبذیر و گرایش به اعتدال و میانه روی.

مشغول شدن به زندگی و درگیری با مشکلات اجتماعی باعث غفلت و بی‌توجهی می‌شود. جهت بیداری از غفلت ضروری است به افراد اسراف کار تذکر داد تا بلکه این تذکرات و موعظه‌ها موجب پیش‌گیری از اسراف و درمان آن شود. ائمه طاهرین (ع) جهت جلوگیری از این رذیله در سیره خود از این روش استفاده می‌کردند.

امام صادق (ع) در حدیثی فرمودند: «دخل رسول الله (ص) علی عائشه فرای کسره کاد ان يطأها فاختها و اکلها و قال یا حمیراء اکر می جوار نعم الله عزوجل علیک فانها لم تنفر عن قوم فکادت تعود الیه.» (کافی، ج ۶، ص ۳۰۰، حدیث ۶۰۶).

«رسول خدا (ص) بر عایشه وارد شده پاره نانی بر زمین دید که نزدیک بود آن را زیر پا بگیرد، آن را برگرفت و تناول نمود و سپس به عایشه فرمود: نعمت‌های الهی را تعظیم و تکریم کن زیرا این چنین نیست که نعمت‌های خداوند از میان گروهی رخت بریندد و سپس به زودی به آنها برگردد.»

اگر همگان چون رسول خاتم (ص) به محض دیدن حیف و میل نعمتی توسط خانواده یا نزدیکان به جا تذکر دهند یا چون امیر مؤمنین (ع) شرافت‌انسانی را به یاد آورند: «قال علی (ع): من اشرف الشریف الکف عن التبذیر والاسراف.» (غرر الحکم، حدیث ۸۱۳۸). حتماً جلو اسراف کاری‌ها گرفته شده ریشه آن به کلی قطع می‌شود.

۳- روش تذکر

منظور از روش تذکر آن است که آنچه انسان از آن در غفلت است یا آن را به فراموشی سپرده از جمله

یاد آوری منعم و نعمت‌های او هم چندی سر انجام زندگی، یا یاد آورده شود تا موجب حراست آدمی از پلیدی و بر انگیزته شده او به تلاش و درستی شود.

بر طرف ساختن غفلت و بی هبری یکی از دیگر از روش های پیش گیری از اسراف و تبذیر است. چرا که در بسیاری از مواقع اسراف ناشی از بی توجهی و بی فکری است. اتلاف نعمت های خدادادی که سرمایه های حیات حباب به حساب می آیند، زیادهای جبران ناپذیری بر جای خواهد گذاشت. اتلاف بی رویه نعمتی چون برق گاه باعث از حرکت ایستادن چرخ کارخانه ای و یا مرگ مریضی در بیمارستان می شود. اگر انسانی کمی خود را از غفت رها کرده به فکر فرو رود، می فهمد که نعمت های الهی وسیله بقاء و حیات او و سایر انسان هاست. چنان که هدر دادن و نابود کردن این سرمایه های زندگی موجب نابودی خود و یا نسل های آینده خواهد شد.

خداوند منان در قرآن کریم می فرماید: «و لقد جائتهم رسلنا بالبینات ثم ان كثيرا منهم بعد ذلك فی الارض لمفسرون.» (مائده/۳۲). «و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آورده اند (با این همه) پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده روی می کنند.» بعد نتیجه این اسراف کاری را چنین متذکر می شود: «ثم صدقناهم الوعد فانجیناهم و من نشاء و اهلکنا المسرین.» (انبیاء/۹). «سپس وعده (خود) به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هرکه را خواستیم نجات دادیم و افراط کاران را به هلاکت رسانیدیم.»

بجاست چون سید الساجدین دست به دعا بر داریم و از حضرتش بخواهیم تا ما را از این غفلت بیدار کرده راه درست مصرف کردن را به ما بنمایاند. «اللهم صل علی محمد و آل محمد و احببنی عن السرف و الازدیاد و قومنی بالبذل و الاقتصاد و علمنی حسن التقدير و اقبضنی بلطفک عن التبذیر.» (صحیفه سجاده، دعاء ۳۰).

«بار خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از اسراف گری و زیاده روی باز دارد و مرا در بخشیدن و انفاق نمودن با میانه روی و اعتدال قوام و توانایی بخش و روش نیکو و راه صحیح مطرف در زندگی را به من بیاموز و مرا با لطف خود از ارتکاب تبذیر و بیجا خرج کردن باز دار.»

بعد دیگر روش تذکر این است که فرد دیگری به اسراف کار تذکر بدهد و با تذکر دادن او را از این عمل باز دارد. این بعد در سیره ائمه طاهرین (ع) بیشتر به چشم می خورد. حضرت امیر (ع) به زیاد بن ابیه فرمود: «فدع الاسراف مقتصدًا.» (نهج البلاغه، نامه ۲۱). «اسراف را کنار بگذار و میانه روی را پیشه کن.»

وقتی شریح به حارث قاضی امیر مؤمنین (ع) در عصر حکومت حضرت خانه ای به هشتاد دینار

خرید، امام (ع) وی را احضار کرد به او فرمود: «بلغنی انک ابتعت دارا بثمانین دینارا و کتبت لها کتابا و اشهدت فیه شهودا.» (نهج البلاغه، نامه ۳.) «به من خبر رسیده که خانه‌ای به قیمت هشتاد دینار خریده و آن را قبالة کرده‌ای و برای آن شهود و گواه گرفته‌ای.» بعد حضرت به شریح تذکر دادند که این او چیست و چه کاری کرده. پس با تذکر دادن فرد دیگری هم می‌توان مسرف را از افراط کاری بر حذر داشت.

ج) روش های عاطفی

منظور از روش های عاطفی روش هایی است که با تاثیر گذاشتن بر گرایش های فرد و تغییر آنها باعث می‌شود که فرد رفتار خود را تغییر دهد، این روش ها عبارتند از:

۱- روش تحریک ایمان

کسی که مؤمن به خداست، دارای نیروی بالقوه و پتانسیل نهفته‌ای است که حتی از خود او نیز پنهان است. اگر این نیروی پنهان و انرژی ذخیره شده به جنبش در آید مظهر تحولات عظیم و اقدامات چشم‌گیری خواهد شد. در مباحث تربیتی به پدید آوردن چنین تحریک ایمان گفته می‌شود. امام صادق (ع) فرمودند: «صفة المؤمن... لایبذر و لایسرف.» (خصال، ج ۲، ص ۵۷۱، حدیث ۲.) «از صفات فرد مؤمن این است که اسراف و تبذیر نمی‌کند.» فردی که خود را مؤمن می‌داند باید متوجه باشد که انسان مؤمن اسراف و زیاده روی نمی‌کند. مؤمن کسی است که شیطان را دشمن خود می‌داند و همیشه در حال مقابله و مبارزه با اوست. حال چگونه ممکن است چنین فردی قرین شیطان شده با او پیوند اخوت می‌بندد. «ان المبذرين كانوا اخوان الشيطان لوبه كفورا.» (اسراء/ ۲۷) «اسراف کاران برادران شیطان هainد و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.»

۲- روش الگویی

روش الگویی آن است که با ارایه الگوهای عینی و رفتاری فرد را به انجام رفتار مطلوب ترغیب و از اقدام به رفتارهای نامطلوب باز داریم. در سیره عملی پیشوایان و اولیای دین موارد فراوانی در مورد پیش‌گیری از اسراف و تجاوز از حد در مصرف وجود دارد که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود. «از ام کلثوم نقل شده که فرمود: چون شب نوزدهم ماه رمضان رسید پدرم به خانه آمد، به نماز ایستاد، من برای برای افطار آن چناب طبقی حاضر کردم که دو قرص نان جو با کاسه‌ای از شیر و مقداری از

نمک سوده در آن بود، چون از نماز فارغ شد و آن طبق را نگریست، بگریست و فرمود: ای دختر برای من در یک طبق دونان خورش حاضر کرده‌ای مگر نمی‌دانی که من از برادر و پسر عم خود پیروی رسول خدا (ص) می‌کنم، ای دختر هرکه خوراک و پوشاک او در دنیا نیکوتر است ایستادن او در قیامت نزد حق تعالی بیشتر است. ای دختر در حلال دنیا حساب است و در حرام دنیا عذاب. فرمود: به خدا سوگند افطار نکنم تا از این دو خورش یکی را برداری پس کاسه شیر را برداشتم و آن حضرت اندکی از نان جو و نمک تناول فرمود و حمد و ثنای الهی بجا آورد و برخاست و به نماز ایستاد، پیوسته مشغول رکوع و سجود بود و تضرع و ابتهال به درگاه خالق متعال می‌نمود. (شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۲۵).

کسی که خود را شیعه و پیرو امام علی (ع) می‌داند با خود حدیث نفس کند که واقعا در زندگی در خوراک و پوشاک و وسیله نقلیه... چون مولایش عمل می‌کند یانه؟ اگر پیروان حضرات معصومین (ع) از آن بزرگواران الگوسازی کنند تردیدی نیست که که ریشه اسراف و تبذیر در خانواده‌ها و جوامع اسلامی به طور کلی خشکیده شده از بین خواهد می‌رود.

۳- روش تبشیر

روش تبشیر و بشارت از جمله روش‌های تربیتی قرآن است که در وجود آدمی ایجاد امید می‌کند. به کمک این روش می‌توان از اسراف و تبذیر جلوگیری کرده، ریشه آن را خشکاند. امام کاظم (ع) در ضمن حدیثی به کسانی که از اسراف و ولخرجی پرهیز کنند بشارت دادند که «و من اقتصد و قنع بقیت علیه النعمه» (تحف العقول، ص ۴۰۳). «هرکس در زندگی میانه روی کند و قناعت بورزند در نعمت باقی خواند ماند.»

علی (ع) در باره اقتصاد و میانه روی و عدم اسراف و تبذیر می‌فرمایند: «اذا اراد الله بعبد خیر الهمه الاقتصاد و حسن التدبیر و جنبه سوء التدبیر و الاسراف.» (غرر الحکم، حدیث ۸۰۵۷). «هرگاه خداوند برای بنده‌ای خیر و نیکویی را بخواهد میانه روی و خوش تدبیری را به او الهام می‌کند و او را از بدی تدبیر و اسراف کاری دور نگه می‌دارد.»

در سایه پرهیز از اسراف و ریخت و پاش است که خداوند روزی خویش را ارزانی انسان‌ها می‌کند چنانکه امام صادق (ع) فرمودند: «من قدر معیشته رزقه الله.» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۰۲، باب ۲۳، حدیث ۴۱). «هرکس اندازه نگهدارد خداوند او را روزی می‌دهد.»

۴- روش انذار

منظور از روش تربیتی انذار آن است که با آگاهی مناسبی که از اعمال فرد و آثار مترتب بر آن وجود دارد، اسراف کار را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبش آگاه کرده وی را از انجام آن بر حذر کنیم. بی‌شک ترس نعمتی است خدایی که انسان را از بی‌خبری و جهالت بیدار کرده به راه اعتدال سوق می‌دهد. قرآن کریم یکی از شیوه‌های تربیتی پیامبر اکرم (ص) را روش انذار معرفی می‌کند که «ان انان الا نذیر مبین.» (شعراء/۱۱۵) «من جز هوشدار دهنده‌ای آشکار (بیش) نیستم.» انذار در خصوص پیامدهای ناخوشایند اسراف فرد مسرف را از افراط کاری باز داشته در مسیر درمان کمک خواهد کرد. به طور مثال انذار از این مصرف بی‌رویه آب، گاز، برق و... موجب قطعی آن خواهد شد مصرف‌کننده را به کم مصرفی و بالاخره پرهیز از اسراف و تبذیر وادار خواهد کرد. در خصوص نعمت‌های الهی هم چنین است. قرآن کریم در مقام انذار به مسرفین می‌فرماید: «ثم صدقناهم الوعد فانجیناهم و من نشاء و اهلکنا المسرفین.» (انبیاء/۹) «سپس وعده (خود) به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هرکه را خواستیم نجات دادیم و افراط کاران را به هلاکت رسانیدیم.» توجه به اینکه «الاسراف یفنی الجزیل.» (غرر الحکم، حدیث ۸۱۱۸) «الاسراف یفنی الکثیر.» (غرر الحکم، حدیث ۸۱۱۹) اسراف کار و ولخرج را در خصوص افراط کاری بیمه خواهد کرد.

آثار درمان اسراف و تبذیر

وقتی به کمک روش‌های تربیتی شناختی، رفتاری و عاطفی از اسراف و تبذیر پیش‌گیری کرده آن را درمان نمودیم شاهد آثار و برکات ارزشمند آن خواهیم شد که از جمله این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- تقویت بنیه مالی

با پرهیز از اسراف و تبذیر و درمان به موقع آن سرمایه‌های فردی و اجتماعی از تلف شدن باز می‌مانند. هم‌چنان که سد جلو مهار آب‌های روان را گرفته ضمن تامین نیازهای زندگی مقدار زیادی را برای روزهای خشک سالی و قحطی ذخیر می‌کند، درمان اسراف و ولخرجی نیز جلو هدر رفتن نعمت‌های و هم‌چنین مصرف بی‌رویه ثروت شخصی و ملی را گرفته باعث زیاد شدن ثروت و دارای می‌شود. امام صادق (ع) فرمودند: «ضمنت لمن اقتصد ان لا یفتقر.» (کافی، ج ۴، ص ۵۳، حدیث ۶) «برای کسی که در مخارج زندگی میانه روی پیشه کند، ضمانت می‌کنم که فقیر و محتاج نشود.»

۲- افزونی برکت

چنان که اشاره شد، اسراف و تبذیر باعث فقر و تهیدستی شده موجب بی برکتی و زوال نعمت می شود. در مقابل اگر با این پدیده شوم مقابله شود و جلوی اسراف و ولخرجی مهارگردد، روزی انسان زیاد خواهد شد.

امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده می فرماید: «وامنعنی من السرف و حصن رزقی من التلف و وفر ملکتی بالبرکه فیہ و اصب بی سبیل الهدایه للبر فیما انفق منه.» (صحیفه سجاده، دعاء ۲۰). «و مراد از زیاده روی و اسراف باز دار و روزیم را از تلف شدن نگهدار و داریم را با برکت دادن به آن افزون گردان و راه مصرف آن را در کارهای خیر به من بنمایان.»

۳- کمک به نیازمندان

فاصله طبقاتی که از طریق اسراف و تبذیر بر پیکره جامعه تزریق می شود روز به روز فشار بر قشرهای کم در آمد زیاد می کند. اگر همه به اندازه کفاف خرج کنند و با درایت جلو این بلا را بگیرند دیگر نیازمندی در جامعه باقی نمی ماند.

نوح بن شعیب یکی از غلامان امام رضا (ع) می گوید: «اکل الغلمان یوما فاکهه و لم یستقصوا اکلها و رموا بها فقال لهم ابوالحسن (ع) سبحان الله ان کنتم استغنیتم فان اناسا لم یستغنوا اطعموه من یحتاج الیه.» (کافی، ج ۶، ص ۲۹۷، حدیث ۸).

«روزی غلامان حضرت رضا (ع) میوه ای را می خوردند ولی پیش از آنکه آن را کاملاً مصرف کنند، دور انداختند حضرت به آنها فرمودند: سبحان الله! اگر شما از آن بی نیازید عده ای از مردم از آن بی نیاز نیستند. آنان را به کسی که محتاج است بخورانید.»

اگر جلو ولخرجی ها و ریخت و پاش ها گرفته شود به همان اندازه به کسانی که احتیاج دارند کمک خواهد شد به طوری که با خشکاندن ریشه اسراف، دیگر نیازمندی در جامعه باقی نخواند ماند.

۴- پیش گیری از بروز جرم های مالی

اسراف که برهم زننده تعادل دخل و خرج زندگی است اگر به موقع پیش گیری و درمان نشود تامین مخارج زندگی را مختل کرده فرد را برای تامین نیازمندی های زندگی به طرف اضافه کاری، انجام کارهای طاقت فرسا و... و بالاخره به طرف کارهای نامطلوب و جرم های اجتماعی می کشاند. اگر به هر طریقی از اسراف و تبذیر جلوگیری شود و ریشه این بلیه خانوادگی و اجتماعی خشکانده

شود، زمینه این جرم‌ها نیز در اجتماع کم شده، زندگی‌ها طعم محبت و شادمانی را به خود خواهد دید. امام صادق (ع) فرمودند: «مکتوب فی التوراء من رضی بالیسیر من الحلال خفت مؤتته و رکت مکسبته و خرج من حد الفجور.» (همان، ج ۲، ص ۱۳۸، حدیث ۴). «در تورات نوشته شده است، کسی که به در آمد کم از راه حلال قناعت ورزد، هزینه زندگی‌اش سبک و کسب و معامله‌اش پاکیزه خواهد گشت و از دایره ارتکاب فجور بیرون خواهد شد.»

۵- مبارزه با استعمارگران

همان گونه که بیان شد، ترویج مصرف زدگی و اسراف و تبذیر از شیوه‌های استعمال برای نفوذ و استیلای جوامع اسلامی است. بنابر این در چنین شرایطی مبارزه با اسراف و تبذیر در هر شکلی که باشد خود نوعی مبارزه با استعمارگران و برخورد و مقابله با ریشه‌ها و زمینه‌های نفوذ آنان خواهد بود.

جمع بندی

از مباحث گذشته به خوبی روشن شد که اسراف و تبذیر به ادله اربعه حرام است و عواملی چون ضعف ایمان، جهل و بی‌خبری، تربیت ناصحیح خانوادگی، فساد اخلاقی و... باعث اسراف و تبذیر می‌شود.

در منابع اسلامی برای اسراف و ولخرجی آثار دنیوی متعددی هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی بیان شده است. در آثار فردی می‌توان به فقر، کم‌برکتی، زوال نعمت، بیماری جسمی، و... اشاره کرد. سقوط اخلاقی، کاهش تولید، اختلاف طبقاتی و... نیز از آثار اجتماعی اسراف و تبذیر است.

همچنین در منابع اسلامی برای اسراف و تبذیر آثار اخروی چون خشم الهی، کیفر اخروی، خواری قیامت، و هلاکت نیز بیان شده است.

روش‌های پیش‌گیری و درمان اسراف و تبذیر به سه دسته شناختی، رفتاری و عاطفی تقسیم می‌شوند. از جمله روش‌های شناختی می‌توان به روش‌های زمینه‌سازی، مواجهه با نتایج اعمال، اعطای بینش، عبرت‌پذیری و از روش‌های رفتاری به روش‌های تغییر موقعیت، تحمیل به نفس، موعظه، تذکر، تبشیر، انذار، و از عاطفی به روش‌های تحریک ایمان و الگویی اشاره کرد.

همچنین حذف اسراف و تبذیر در زندگی موجب آثار و برکاتی همچون تامین بنیه مالی، افزونی برکت، کمک به نیازمندان، پیش‌گیری از بروز جرم‌های مالی و مبارزه با استعمارگران خواهد شد.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آمدی، عبدالواحد بن محمد، **غرر الحکم**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۳۶۶.
- ابن ادريس، السرائر، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چ دوم، ۱۴۰۱۰.
- اصفهانی، راغب، **مفردات الفاظ القرآن**، تحقق صفوان عدنان داوودی، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ هـ.
- حر العاملی، شیخ محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۰۹.
- ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم، دار الحديث، چ سوم، ۱۳۸۱.
- شعبه الحرائی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین، **تحف العقول**، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چ دوم، ۱۴۰۴.
- صحیفه سجادیه، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، **خصال**، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چ دوم، ۱۴۰۳.
- طباطبایی، سید محمد حسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳.
- طبری، امین الدین ابو علی الفضل بن الحسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ هـ.
- طبرسی، امین الدین ابو علی الفضل بن الحسن، **تفسیر جوامع الجامع**، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، چ اول، ۱۴۱۸.
- عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیاشی**، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ هـ.
- قمی، شیخ عباس، **منتهی الآمال**، قم، انتشارات هجرت، چ ششم، پائیز ۱۳۷۱.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، دار الکتب الاسلامیه، چ چهارم، ۱۳۶۵.
- مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
- معین، محمد، **فرهنگ معین**، تهران، امیر کبیر، چ پنجم، ۱۳۶۲.
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
- نراقی، ملا احمد، **عوائد الایام**، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ هـ.
- نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چ اول، ۱۴۰۹.
- هندی، متقی، **کنز العمال**، بیروت، لبنان، مؤسسه الرساله.